



نهاد متولی امور کودکان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

قاسم حسنی^۱

وضعیت زنان و کودکان هر جامعه یکی از مهمترین نشانه‌ها در بررسی وضعیت سلامت و توسعه انسانی در آن جامعه است. به بیان دیگر می‌توان ادعان داشت برنامه‌ریزان و فعالان توسعه اجتماعی هر جامعه هر آنقدر که برای مشارکت و حضور زنان در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بکوشند و هر اندازه که برای صیانت از حقوق کودکان و ایجاد فرصت‌های کافی و برابر برای برخورداری آنان از حقوق حقه‌ی ایشان تلاش نمایند، به همان میزان به سمت انسانی‌تر نمودن جامعه هدف گام برداشته‌اند.

همگی به خوبی می‌دانیم که کودکان از آسیب‌پذیرترین گروه‌های اجتماعی هستند و در این میان کودکان طبقات فرودست در شرایطی به شدت دشوارتر قرار دارند و این در حالی است که هیچ یک از آنان در به وجود آوردن وضعیتی که در آن قرار گرفته‌اند، هیچ نقشی نداشته‌اند؛ آنها بدون حق انتخاب در موقعیتی متولد شده، رشد کرده و زندگی‌ای را می‌آموزند که بزرگترها برایشان به وجود آورده‌اند. در واقع شرایط کنونی کودکان حاصل نحوه زندگی، تفکر و عمل بزرگترها است. بر همین اساس، اگر به شرایطی بهتر برای کودکانمان می‌اندیشیم، لزوماً باید نگاهی داشته باشیم به اینکه امروز چگونه فکر می‌کنیم، چگونه عمل می‌کنیم و سازوکار فردی و اجتماعی ما برای ایجاد تغییر و ساختن شرایط بهتر برای رشد و بالندگی کودکانمان چیست؟ و همواره بایستی بر این اصل توجه داشته باشیم که «تنها جهانی شایسته کودکان، شایسته همگان خواهد بود».

با نگاهی فهرست‌وار به مشکلات کودکان، می‌توان مشکلات آنان را به لحاظ منشاء و گستره به دو دسته اصلی به شرح ذیل تقسیم نمود:

دسته اول مشکلاتی هستند که کودکان هر جامعه در سطوح خرد و در چارچوب شرایط حاکم بر خانواده و به صورت موردی با آن مواجه هستند؛ مانند مشکلات ناشی از خشونت‌های خانگی، کودک‌آزاری یا مشکلاتی که ریشه در خرده فرهنگ‌ها و باورهای غلط قومی و خانوادگی آنان داشته و کودکان ناچارند به صورت روزمره با این مشکلات دست و پنجه نرم کنند. هرچند شدت و حدت این نوع مشکلات در تمامی خانواده‌ها و برای تمام کودکان یکسان نبوده و بسته به خاستگاه اجتماعی، اقتصادی و بعضاً اقلیمی خانواده شدت و ضعف این مشکلات برای هر یک از آنان متفاوت است.

دسته دوم مشکلاتی هستند که در سطوح کلان یک جامعه مطرح بوده و ریشه در روابط اقتصادی و مناسبات فراگیر حاکم بر جامعه دارد و معمولاً گروه‌های وسیع‌تری از کودکان را در معرض آسیب و چالش قرار می‌دهد. نظیر جمعیت قابل توجه - و

^۱ عضو هیئت مدیره موسسه اقدام پژوهان جامعه بهتر



البته سیال - کودکان واجب‌التعلیمی که در آغاز هر سال تحصیلی قادر به ثبت نام نیستند و در کلاس حضور نمی‌یابند یا کودکانی که علی‌رغم ورود به مدرسه به دلیل مشکلات ناشی از فقر و محرومیت و فقدان حمایت‌های اجتماعی لازم و عدم دسترسی به آموزش مناسب و با کیفیت، با افت تحصیلی و به ناچار با ترک تحصیل زود هنگام و پیوستن به جمعیت کودکان کار مواجه می‌گردند و یا کودکانی که گرفتار چرخه کارند و امروزه حتی مرزهای جغرافیایی کشورها را درنوردیده و بعضاً برای سبب‌شناسی و ارائه تحلیلی جامع از وضعیت آنان علاوه بر پرداختن به ریشه‌ها و علل موجود در چارچوب مرزهای ملی یک کشور لازم است پا را فراتر نهاده و تحلیلی ناظر بر علل ناپایداری و نابسامانی‌های حاکم بر اوضاع سیاسی و اقتصادی چند کشور پیرامونی را مورد بحث و بررسی قرار داد. نظیر ناپایداری‌های سیاسی و مداخلات صورت گرفته در اوضاع کشور افغانستان که طی چند دهه گذشته موجب مهاجر، سرگردانی، محرومیت از آموزش و اجبار به کار زود هنگام میلیون‌ها کودک این کشور در کشورهای همسایه گردیده است.

می‌دانیم در بسیاری از موارد، مشکلات کلان اجتماعی آنچنان بر روابط خرد خانواده سرریز نموده و تاثیر می‌گذارد که بعضاً تفکیک این دو از یکدیگر امری غیرقابل انکار بوده تا آنجا که به جرات می‌توان اذعان داشت، بسیاری از مشکلات موجود در سطح خانواده و روابط فردی افراد هم ریشه در مشکلات، کاستی‌ها و نابسامانی‌های حاکم بر جامعه دارند.

تجارب اجتماعی موجود نشان می‌دهند در هر سطحی که بخواهیم مشکلات کودکان را واکاوی نموده و چاره‌جویی کنیم، لزوماً بایستی همه ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی آن را به صورت موازی و هم‌زمان در نظر گرفته و مورد بررسی قرار دهیم و در این مسیر و برای دستیابی به نتیجه مطلوب اولین خلأیی که با آن مواجه خواهیم شد، فقدان نهاد متولی و مدعی العموم در این حوزه است. چراکه به دلیل ساختار اداری موجود و محدودیت‌های ناشی از شرح وظیفه و مشکلات اساسنامه‌ای و بین بخشی هر یک از این سازمان‌ها و فقدان مستندات قانونی کافی برای دسترسی به همه کودکانی که در معرض آسیب و محرومیت قرار دارند، پیگیری مشکلات آنان به سادگی میسر نبوده و به طور معمول حل نشده باقی می‌مانند.

موضوع مهم و حلقه گمشده در این میان این نکته است که هر گاه هر یک از این سازمان‌ها به هر دلیل قادر به انجام کامل و بدون نقص وظایف خود نباشند (مانند بی‌توجهی به سرنوشت کودکان واجب‌التعلیمی که از مدرسه محرومند و یا مسکوت ماندن برنامه جهانی آموزش برای همه که کشور ما نیز به آن پیوسته است) هیچ نهاد ناظر مستقل و پرسشگری که بتواند براساس شرح وظیفه از پیش تعیین شده خود و بدور از هر گونه تعابیر جناحی و گروهی، کاستی‌های مورد بحث را واکاوی نموده و رفع آنان را مطالبه و پیگیری نماید وجود نداشته و به طور معمول بازرسی‌های درون سازمانی این سازمان‌ها نیز به دلیل اینکه از استقلال کافی برخوردار نیستند، قادر نبوده‌اند پا را از چارچوب تشکیلاتی سازمان خود فراتر نهاده و خلاء و ناکارآمدی به وجود آمده را به چابش بکشند.



بر همین اساس تاسیس نهاد ملی متولی امور کودکان به عنوان پیش‌نیازی اجتناب‌ناپذیر امری است ضروری که در صورت تحقق آن می‌توان ظرفیت‌ها و پتانسیل موجود دولتی و غیردولتی در سطح جامعه را شناسایی نموده و توان به وجود آمده را مبدل به اراده قوی برای تاثیرگذاری بر زندگی همه کودکان کشور نمود.

طی دو دهه گذشته پس از تصویب کنوانسیون جهانی حقوق کودک و پیوستن کشورمان به این کنوانسیون و نیز به دنبال شکل‌گیری تشکل‌های مردمی و غیردولتی فعال در زمینه حقوق کودکان و متعاقب آن بالا رفتن حساسیت‌های جامعه نسبت به مشکلات کودکان، ضرورت شکل‌گیری نهاد ملی متولی امور کودکان نزد بسیاری از این فعالین هر روز بیش از پیش احساس می‌شد و در پرتو این احساس ضرورت، چند سالی است برخی از تلاش‌گران این حوزه که دسترسی بیشتری به دستگاه‌های دولتی داشته‌اند، مبادرت به طرح مرجعی تحت عنوان مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودک نموده‌اند که سرانجام هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۴-۱۰-۹۰ خود براساس پیشنهاد شماره ۸۹/۰۲/۴۵۹۳ مورخ ۸۹/۱۰/۱۹ وزارت دادگستری و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی مرجع مذکور را تصویب نموده‌اند. نمایندگان بسیاری از دستگاه‌ها و سازمان‌های دولتی که بعضاً موضوع فعالیت آنان مرتبط با مسائل کودکان است و نیز سه تن از نمایندگان برخی از تشکل‌های غیردولتی برای مدت سه سال تعیین گردیدند. پیگیری اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده را آیین‌نامه مرجع را عهده‌دار هستند.

اگرچه روح حاکم بر آیین‌نامه مرجع که اساساً نظر بر تهیه و تدوین طرح و یا بررسی و پایش گزارش‌ها رسیده و نیز تهیه و ارائه گزارش‌های ادواری از وضعیت حقوق کودکان است، با آنچه که از یک نهاد تاثیرگذار و قدرتمند انتظار می‌رود، فاصله زیادی دارد، اما از آنجا که طولانی‌ترین راه‌ها از نخستین گام‌ها آغاز می‌شود، امید می‌رود در پرتو تلاش و درک صحیح از ضرورت‌ها، این اقدام آغازی باشد برای دستیابی به آنچه ضرورت واقعی امروزین جامعه ما است و این مسئولیتی است که برعهده یکایک دست‌اندرکاران این مرجع است. چراکه بی‌تردید یک نهاد قدرتمند در حوزه حقوق کودکان، تنها در صورتی می‌تواند به معنای واقعی منشاء اثر باشد که همواره به مثابه یک دیده‌بان به طور مستمر شرایط و وضعیت همه کودکان کشور را رصد نموده، کاستی‌ها، ناکارآمدی‌ها و علل آنها را شناسایی کرده و با ارائه طرح و برنامه‌های منطبق با نیازهای واقعی آنان در هر مقطع زمانی و هر محدوده جغرافیایی، دستگاه‌های مسئول را در انجام دقیق وظایفشان یاری رسانده و در صورت لزوم با ابزارهای اجرایی و نظارتی از پیش تعیین شده خود بتواند موانع و خلاءهای موجود در این زمینه را (چه در سطوح مشکلات فردی و خانوادگی کودکان و چه در سطوح مشکلات کلان و اجتماعی آنان) پیگیری و برطرف نماید؛ به نحوی که هر کودکی احساس کند جامعه خانواده دوم او است و هرگاه نهاد خانواده به هر دلیلی قادر به حمایت از کودک خود نبود، جامعه آگاهانه و مسئولانه به یاری او بشتابد.